



کدام نماز را می‌توان به هر جهت و در هر حال خواند/ پاسخ امام علی(ع) به پرسش نصرانی

آیت الله جوادی آملی در مورد علت تعیین کعبه به عنوان قبله با توجه به آیه «أینما تولوا فثم وجه الله» گفت: این یک حکم فقهی است...

آیت الله جوادی آملی در مورد علت تعیین کعبه به عنوان قبله با توجه به آیه «171؛ اینما تولوا فثم وجه الله» گفت: این یک حکم فقهی است؛ گاهی می‌گویند: به این سمت نماز بخوان، گاهی هم می‌گویند: به آن سمت نماز بخوان. گاهی هم می‌گویند: اگر شما بین مشرق و مغرب نماز خواندی نمازت مقبول است، یک انسان متحیری که وقت برای چهار نماز کافی نیست، به یکی از سمتها نماز بخواند نمازش کافی است. به گزارش خبرگزاری مهر؛ آیت الله جوادی آملی در بخشی از تفسیر آیه 115 سوره بقره «171؛ ولله المشرق و المغرب فأینما تولوا فثم وجه الله إن الله واسعٌ علیم»، که بر عدم انحصار وجه الله در مکان و جهتی خاص تأکید دارد، گفت: ... این کریمه احیاناً ناظر به مسئله تغییر قبله است از بیت المقدس به مسجد الحرام، به کعبه، بعضی اعتراض کردند که چرا قبله مسلمین از بیت المقدس به کعبه منتقل شد... که سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قبلتهم التي كانوا علیها قل لله المشرق و المغرب یهدی من یشاء إلی صراط مستقیم؛ وقتی قبله مسلمین از بیت المقدس به کعبه منتقل شد یهودی‌ها اعتراض کردند، گفتند به اینکه یا عبادت‌های لاحق اینها باطل است یا عبادت‌های سابق اینها. اگر قبله حقیقی بیت المقدس است پس انحراف از بیت المقدس به کعبه باطل است و عبادت‌های بعد از انحراف هم باطل و اگر قبله کعبه است پس عبادت‌هایی که تا کنون به طرف قدس انجام می‌دادند باطل است.

در این زمینه خدای سبحان آیه‌ای نازل کرد که لله المشرق و المغرب؛ استقبال به وجه خدا جای معیّتی ندارد، اگر مشرق و مغرب مال خداست و همه جا خدا حضور دارد پس اینما تولوا فثم وجه الله که این فای تفریع نشانه سعه فیض خدای سبحان است.

مشرق و مغرب، ملک و ملک خدا

... خدای سبحان مشرق و مغرب را ملک و ملک خود می‌داند. مشرق و مغرب دو جهتند نه دو موجود عینی خارجی نظیر شمس و قمر یا شجر و حجر. شجر یا حجر یک موجود خارجی است، ولی مشرق و مغرب جهت است. جهت بودن مشرق و جهت بودن مغرب متوقف است بر اینکه یک کوكب و یک نیري باشد اولاً، و حرکتی باشد ثانیاً تا از حرکت آن نیر طلوع و غروبی پیدا شود و قهراً مشرق و مغربی هم پیدا بشود؛ پس اگر یک کوكبی نباشد یا کوكب باشد ولی حرکت نکند، شرق و غربی نیست.

خدای سبحان که فرمود: مشرق و مغرب مال خداست، برای آن است که هم آن کوكب را مخلوق خود می‌داند و هم حرکت آن کوكب را به اختیار خود می‌داند. هم خلقت شمس و قمر را به خود نسبت می‌دهد و هم حرکت شمس و قمر را. قهراً مشرق و مغربی که بر این دو امر متوقف است، مال خدا خواهد بود. اما شمس و قمر را مال خود می‌داند؛ زیرا گذشته از اینکه فرمود: الله خالق کلّ شیء؛ یعنی هرچه که مصداق شیء است مخلوق خداست، هر چیزی که شیء بر او صادق است مخلوق خداست، گذشته از آن، درباره خصوص شمس و قمر هم فرمود: چرا شما شمس و قمر را عبادت می‌کنید، خدا را عبادت کنید که خالق شمس و قمر است. همان آیه‌ای که تلاوتش باعث سجده واجب است: لاتسجدوا للشمس و لا للقمر و لكن خدایی را بپرستید که خالق شمس و قمر است؛ پس اصل شمس و قمر مخلوق خداست و مخلوق ملک و ملک خالق است.

وی در بخشی دیگر از تفسیر این آیه در پاسخ به سؤالی در مورد اینکه بر اساس این آیه به هر کجا که رو کنید وجه خداست، پس علت تعیین کعبه به عنوان قبله چیست؟ تأکید می‌کند: ... نه خصوصیتی برای بیت المقدس است، نه اختصاصی برای کعبه، آن یک حکم فقهی است. در حکم فقهی گاهی می‌گویند: به این سمت نماز بخوان، گاهی هم می‌گویند: به آن سمت نماز بخوان. گاهی هم می‌گویند: اگر شما بین مشرق و مغرب نماز خواندی نمازت مقبول است، یک انسان متحیری که وقت برای چهار نماز کافی نیست، به یکی از سمتها نماز بخواند نمازش کافی است.

یا در نافله به همین آیه استدلال کردند در روایات ما هم آمده است که اینما تولوا فثم وجه الله مصحح آن است که نافله را به هر سمت می‌شود خواند. نه اینکه در نافله قبله معتبر نیست، قبله نافله وسیع است. چرا در نافله به هر سمت می‌شود نماز خواند؟ چرا نافله را در حال حرکت، پشت به قبله کعبه، رو به کعبه، پشت به شرق رو به شرق، می‌شود خواند؟ کسی از مدرسه تا مسجد اول اذان ظهر می‌خواهد حرکت کند، می‌خواهد این ۸ رکعت نافله ظهر را در راه بخواند، خب این مفتی به همه هم هست، صحیح هم هست. که کسی از محل کارش تا مسجد در بین راه این ۸ رکعت نافله ظهر را در راه می‌خواهد بخواند، خب جائز است ثواب نافله را هم می‌برد، به هر سمت، به هر کوی و برزن که رو کرد قبله اوست به همین آیه استدلال کرده‌اند: اینما تولوا فثم وجه الله.

این مفسر قرآن کریم در ادامه با اشاره به نظر علامه طباطبایی در مورد این آیه تصریح کرد: ... این آیه اینما تولوا فثم وجه الله را به توسعه مسجد و مکان نمازگزار معنا کردند و به آیه قبل ارتباط دادند، سیدنا الاستاد (علامه طباطبایی) می‌فرماید به اینکه این آیه ناظر به توسعه جهت است نه مکان، آیه می‌خواهد بفرماید به اینکه به هر سمت رو کنید وجه خداست، نه هر جا می‌توانید نماز بخوانید، نه همه جا مسجد است.

آن حدیث معروف «جعلت لي الأرض مسجداً و طهوراً» که از رسول خدا (ص) رسیده است آن يك حدیث خوبی است برای توسعه مسجد یعنی نماز لازم نیست که حتماً در جای معینی خوانده بشود، آن طور که اهل کتاب می‌پندارند که یا در کنیسه یا در بیع نماز بخوانند، در اسلام فرمودند به اینکه شما خانه‌هایتان را معبد کنید، همان طوری که مسجد معبد است خانه‌ها را هم با خواندن قرآن و نماز نورانی کنید و خانه‌های خود را مثل خانه‌های یهودی نکنید که عبادت در او نشود، سراسر زمین مسجد است و جای عبادت: «جعلت لي الأرض مسجداً و طهوراً».

ولی آیه ناظر به توسعه مکان مصلي نیست، آیه ناظر به توسعه جهت و قبله مصلي است به شهادت فاي تفریع، نفرمود «ولله المشرق والمغرب» پس هر جا خواستید نماز بخوانید، فرمود: لله المشرق والمغرب به هر سمت رو کردی رو به خدا کردی: فأینما تولوا فثم وجه الله؛ یعنی به هر جا رو کردید آن روبروی شما وجه الله است. این ناظر به توسعه قبله و جهت نمازگزار است نه ناظر به توسعه مسجد و مکان نمازگزار...

احکام تعبدي قبله و توسعه جهت قبله در نافله و دعاها

این يك حکم فقهی و تعبدي خاص است که گفته‌اند: به طرف کعبه بعضی از امور واجب است، بعضی از امور حرام گفتند به اینکه مسأله ذبح چه در حال عادی، چه در حال قربانی به طرف کعبه واجب است، مسأله صلات به طرف کعبه واجب است، مسأله احتضار موتی و مسأله دفن به طرف کعبه واجب است.

این «و الکعبة قبلتي» بعضی از کارها هم به طرف کعبه حرام است، آن کارهای قضای حاجت. پس این يك حکم فقهی است که بعضی از کارهای به طرف کعبه حرام، بعضی از کارها به طرف کعبه واجب. وگرنه از نظر بحثهای اصولی جهتی از جهات را نمی‌شود مشخص کرد. نشانه‌اش آن است که اگر ما خواستیم در درون کعبه نماز بخوانیم آنجا هم فأینما تولوا فثم وجه الله، آنجا اگر قیام معتبر نبود مستلقیاً هم می‌شود، منقطعاً هم می‌شود نماز خواند، نه به خاطر اینکه بالا و پایین کعبه نیست برای اینکه قیام معتبر است. نشانه‌اش آن است که اگر کسی بیمار بود در درون کعبه قرار داشت، بیماری که باید مستلقیاً نماز بخواند یا مجاز است منقطعاً نماز بخواند او به هر سمت که بخوابد یا به هر سمت که رو کند قبله است.

درون کعبه مصداق فأینما تولوا فثم وجه الله است. پس این‌چنین نیست که يك سمت معین خدا را بتوان عبادت کرد. این يك حکم فقهی و تعبدي خاص است برای کسانی که از کعبه دورند وگرنه درون کعبه باز فأینما تولوا فثم وجه الله است، خواه در مسأله دعا، خواه در مسأله نوافل، خواه در مسأله صلات عند الاضطرار، خواه در موقع دعا کردن: فأینما تولوا فثم وجه الله.

تمثيلي براي «وجه» در روايت اميرالمؤمنين(ع)

آیت الله جوادی آملی در بخشی دیگر از تفسیر این آیه با استناد به قولی از شیخ صدوق خاطرنشان می‌کند: ... مرحوم صدوق در کتاب شریف «توحید» در باب «نفی المكان والزمان والحركة عنه تعالی» این حدیث شریف را نقل کرده که مردی آمد حضور امیرالمؤمنین(ع) از حضرتش مسائلی را سؤال کرد، قبلاً پیش دیگران رفته بودند آنها از جواب بازماندند به حضور امیرالمؤمنین(ع) آمدند و حضرت به سؤالات آنها پاسخ داد. یکی از سؤالات آنها این بود که "أخبرني عن وجه الرب تبارك وتعالی؟" سؤال کردند که وجه الله چیست؟ بگو وجه الله کدام سمت است؟

فدعي علي(ع) بنار و حطب، حضرت دستور داد آتش و هیزمی حاضر کردند، فأضرمه؛ آن هیزم را با آتش افروخت. فلما اشتعلت؛ وقتی این آتش شعله‌ور شد، قال علي(ع): "أين وجه هذه النار؟" صورت این آتش کجاست؟ شما ممکن است برای شخص يك وجهی قائل باشید که بگویید این روی شخص است و این پشت شخص، برای اجرام و احجام می‌توانید وجه و خلف قائل بشوید، اما این شعله رویش کدام سمت است پشتش کدام سمت؟

قال علي(ع): "این وجه هذه النار؟" قال النصراني: "هي وجه من جميع حدودها؛" همه طرفش وجه است، یعنی هر کس در کنار این آتش قرار گرفت می‌گوید: من رو به آتش‌ام. آنهایی که از شرق‌اند می‌گویند: ما رو به آتش‌ایم، آنهایی که از غرب‌اند، می‌گویند: ما رو به آتش‌ایم، آنهایی که از شمال و جنوب‌اند می‌گویند: ما رو به آتشیم. از هر طرف وجه است، آن‌گاه حضرت فرمود: "هذه النار مدبرة آتش‌ایم، آنهایی که از شمال و جنوب‌اند می‌گویند: ما رو به آتشیم. از هر طرف وجه است، آن‌گاه حضرت فرمود: "هذه النار مدبرة

مصنوعة لايعرف وجهها و خالقها لايشبهها" ؛ اين آتش يك موجود مخلوق است، همه طرفش وجه هست، شما نتوانستيد وجه او را تشخيص بدهيد آن وقت مي‌خواهيد وجه خدا را تشخيص بدهيد؟ و لله المشرق و المغرب فأينما تولوا فثم وجه الله حضرت به اين آيه اشاره كردند، دنباله سخن حضرت اين آيه را تلاوت فرمودند: ولله المشرق و المغرب فأينما تولوا فثم وجه الله.

در حد خرد مردم سخن گفتن پيشوايان معصوم(ع)

به اندازه عقل افراد حرف مي‌زنند يعني چه؟ يعني بعضي اسرار را مي‌گويند، بعضي اسرار را نمي‌گويند؟ يا حرف را مي‌گويند هر كسي به اندازه فكرش مي‌فهمد، اينكه فرمود: «؛إنا معاشر الأنبياء أمرنا أن نكلم الناس علي قدر عقولهم» ؛ يعني بعضي احكام را مي‌گويم، بعضي احكام را نمي‌گويم؟ اينچنين است؟ يا ما همه حرفها را مي‌زنيم، منتها هر كسي به اندازه فكر خودش مي‌فهمد. اينجا هم همين‌طور است، چيزي را آنها كتمان نکردند هرچه كه انسان را به خدا و بهشت نزديك مي‌كند فرمودند و هرچه كه انسان را به جهنم نزديك مي‌كند و از خدا دور مي‌كند آن را هم فرمودند منتها هر كسي به اندازه خودش استفاده مي‌كند. يك وقت است با مثال آتش و هيضم مسئله را حل مي‌كند، گاهي هم مي‌فرمايند: «؛نحن وجه الله» با ولايت مسئله را حل مي‌كنند، گاهي هم مي‌فرمايند: قرآن وجه الله است؛ خب آن نصراني را بايد با يك مثال ساده توجيه كرد، اگر كسي نصراني بود و در همين حد ساده مي‌انديشيد بايد با او به اندازه زبان او حرف زد.

اوج كلام امام در تنتمه روايت

... حضرت در پايان اين دو آيه را تلاوت فرمودند يكي همين آيه ۱۱۵ سوره بقره است كه محل بحث است همين آيه ولله المشرق و المغرب فأينما تولوا فثم وجه الله يكي هم آن جمله‌اي كه ظاهراً از سوره حاقه استفاده مي‌شود: لاتخفي منكم خافية آن جمله اين است كه «؛ولا يخفي علي ربنا خافية» ؛ نه چيزي بر خدا مخفي است، نه يك خافي‌اي آويخته مي‌شود كه روپوشي باشد بر خدا؛ پس او هم دائماً وجه دارد و بالفعل وجهش دائم است. حالا اگر ما فرض كرديم شمس همه طرفش وجه بود پشت و رو نداشت، همه سمتش وجه بود ولي بالاخره يك حاجبي دارد كه اگر آن حاجب آويخته شد بين ما و بين شمس فاصله است ديگر استقبال مي‌ستر نيست، ديگر نمي‌توان گفت: وجهت وجهي للشمس، اما درباره ذات اقدس اله نه جهتي با جهتي فرق دارد اولاً، نه خافيه و پوششي هست كه جلوي وجه گسترده خدا را بگيرد ثانياً. لذا در جميع شئون انسان مي‌تواند بگويد: وجهت وجهي للذي فطر السماوات و الأرض . خب اين معنايي كه حضرت در ذيل بيان كرد با آن مثال آتشي كه افروخت خيلي فرق دارد، ممكن است در مجلس خيليا نشسته باشند. آن نصراني به همان اندازه مثال فهميد. آن محققين به اندازه خيلي عميق‌تر فهميدند.

كامل‌ترين مصداق وجه الله

آيت الله جوادى آملی در ادامه با اشاره به حديثي از امام رضا(ع) كه از ايشان سؤال شد كه فأينما تولوا فثم وجه الله چيست؟ فرمود: علي(ع). خب خود علي بن ابي‌طالب(ع) كه به وجه الله رو مي‌كند اين بيان مصداقي از مصداق كامل است. خب اگر علي ابن ابي طالب(ع) وجه الله شد، ساير ائمه(عليهم السلام) هم وجه الله‌اند؛ چون يك نوراند. اينها كه بيش از يك نور نيستند. منتها در قالبهاي مختلف هستند. پس امام هشتم(ع) هم وجه الله است، وجيهه عندالله است.

اينكه در آستان حضرت عرض مي‌كنيم: «؛و أنت عنده وجيهه» . چون به وجه الله رسيدي وجيهه هستي. مصداق وجه الله شدي. يعني امام معصوم(ع) به نوبه خود، وجه خداست. اينكه امام هشتم(ع) در جواب سائل فرمود: علي(ع). يعني امام معصوم وجه الله است . خب خود امام معصوم هم كه مي‌گويد: إنا نطعمكم لوجه الله امام معصوم(ع) وقتي كه بخواهد مسكين و يتيم و اسير را اطعام كند مي‌فرمايد: إنا نطعمكم لوجه الله اين وجه الله چيست كه امام معصوم لوجه الله كار مي‌كند؟

اينكه حضرت فرمود: لانريد منكم جزاءً و لاشكوراً بعد فرمود: إنا نطعمكم لوجه الله اين وجه الله يعني بهشت؟ حضرت فرمود: من طمع بهشت ندارم. اين وجه الله يعني پرهيز از جهتم؟ فرمود: من خوف من التار ندارم و فرمود: بر فرض كه مرا به جهتم بيري آن قابل تحمّل است «؛هبن صبرت علي حرّ نارك فكيف أصبر عن النظر إلي كرامتك» ، خب آن وجه الله چيست كه حضرت همان را مي‌طلبد؟ و چون به مطلوب خود رسيده است شده وجه الله، خود حضرت شد وجه الله؛ چون كارش لوجه الله است. اگر حضرت كارش لوجه الله است و به مقصد رسيده است آن وقت خودش مي‌شود وجه الله و مي‌شود هو وجيهه عندالله.

در اين دعاي توسّل هم كه به معصومين(عليهم السلام) عرض مي‌كنيم: «؛يا وجيهها عندالله» همين است. اين وجيهه عندالله است، يعني موجّه عندالله است. يعني خدا به او رو مي‌كند، اگر خدا به او رو كرد يعني همه عالم به او رو مي‌كند، اين موجّه عندالله است يعني چه؟ وجيهه عندالله است يعني چه؟ يعني يتوجه إليه الله. خدا مگر در يك جهت خاص است كه به يك انسان كامل رو كند؟ اگر خدا به انسان كامل رو كرد يعني كل جهان به او رو مي‌كند. لذا هر جا شما باشيد مي‌توانيد به اينها متوسّل بشويد. اينكه به اين خاندان عرض مي‌كنيم: «؛يا وجيهها عندالله» يعني موجّه عندالله يعني خدا به تو رو كرد.

آیت الله جوادی آملی در ادامه تصریح می کند: ... اگر خدا به يك انسان رو کند آیا كل عالم به او رو مي کند يا نمي کند؟ اگر خدا به يك انسان رو کرد نظیر عيساي مسیح، مي بینید حرفش چیست. حرف عيساي مسیح(ع) که خدای سبحان در قرآن نقل می کند، می فرماید: و جعلني مبارکاً این ما كنت ؛ من هر جا باشم پر برکت ام. منشأ برکت ام. آسمان باشم مبارکم، زمین باشم مبارکم: و جعلني مبارکاً اینما كنت . چون درباره عيساي مسیح قرآن کریم فرمود به اینکه این من المقرّبین است. خب اگر موجودي مقرّب شد و موجه شد یعنی خدا به او رو مي کند.

خدا به او رو مي کند یعنی چه؟ یعنی خدایی که لله المشرق و المغرب، خدایی که فأینما تولّوا فثم وجه الله، خدایی که جایی از وجه او خالی نیست این خدا به انسان کامل رو کرد یعنی این انسان کامل شده وجه الله جایی نیست که این انسان کامل حضور نداشته باشد. جایی نیست که توسّل به این انسان کامل اثر نداشته باشد. لذا امام هشتم(ع) طبق تفسیر نورالثقلین فرمود: «علي(ع)». این اولاً به عنوان تطبیق است. نه تفسیر؛ و ثانیاً به عنوان بیان أحد المصادیق است؛ چون خود امام هشتم(ع) هم وجه الله است، همه معصومین(سلام الله علیهم) وجه الله اند.